نشریه علمی روانشناسی فرهنگی
(Cultural Psychology)

روان‌شناسی فرهنگی

دوفصلنامهٔ علمی، پژوهشکدهٔ تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی (سمت)
دورهٔ ۹، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۷۲۱۱
شاپا الکترونیکی: ۶۳۸۸ - ۲۶۷۶

بررسی نقش سرمایه فرهنگی در کاهش اضطراب مرگ و افکار خودکشی در دانشجویان

سیده شیدا عاطفه‌مند[۱] ✉، عباسعلی الهیاری[۲]، حجت‌اله فراهانی[۳]

۱. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. **نویسنده مسئول:** s.atefemand@modares.ac.ir
۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۳. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها:
دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶
پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

واژگان کلیدی:
افکار خودکشی
اضطراب مرگ
سرمایه فرهنگی
سرمایه نمادین

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه افکار خودکشی، اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی در دانشجویان انجام شد. روش تحلیل در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران (دولتی،آزاد و پیام نور) در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است که ۳۶۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری در دسترس، وارد مطالعه شدند. جمع آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های افکار خودکشی بک (1988)، اضطراب مرگ کنت، وینر و پلاچیک (۱۹۸۲) و سرمایه فرهنگی بالبونی، منارردو و کوبلی (۲۰۱۹) انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده گردید و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 26 انجام شد. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معنادار بین اضطراب مرگ و افکار خودکشی (r=0/679, p<۰/۰۰۱) وجود دارد. بین سرمایه فرهنگی و اضطراب مرگ رابطه منفی و معنادار (r=-0/680, p<۰/۰۰۱) و همچنین بین سرمایه فرهنگی و افکار خودکشی رابطه منفی و معنادار (r=-0/598, p<۰/۰۰۱) وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام نشان داد که از بین ابعاد سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی مشارکتی، قوی ترین پیش بینی کننده اضطراب مرگ (β=-0/384, p<۰/001, R2=۰/۵۱۱) و افکار خودکشی (=-۰/001, R2=۰/۵۲۱ β0/433, p<) بود. یافته‌ها نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی مشارکتی، نقش محافظتی مهمی در کاهش اضطراب مرگ و افکار خودکشی دارد.

استناد: عاطفه‌مند، سیده شیدا، الهیاری، عباسعلی، فراهانی، حجت‌اله (۱۴۰۴). بررسی نقش سرمایه فرهنگی در کاهش اضطراب مرگ و افکار خودکشی در دانشجویان، *روان‌شناسی فرهنگی*، ۹(۲). ۶۳-۷۶.

https://doi.org/10.30487/jcp.2026.508602.1782

۱۴۰۴/۲۰۲۶ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است. منتشرشده توسط نشریه روان‌شناسی فرهنگی (سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت)).

Cultural Psychology

Vol. 9, Issue 2
Fall 2025 - Winter 2026
Print ISSN: 2676-6388
Online ISSN: 2676-6388

نشریه علمی روانشناسی فرهنگی
(Cultural Psychology)

The Role of Cultural Capital in Reducing Death Anxiety and Suicidal Ideation in Students

Seyede Sheyda Atefemand [1]✉ , Abbasali Allahyari [2], Hajjatollah Farahani [3]

1. M.A. Student, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Corresponding Author: s.atefemand@modares.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Article Info

History
Received: September 28, 2025
Accepted: February 08, 2026

Keywords
Suicidal Thoughts
Death Anxiety
Cultural Capital
Symbolic Capital

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the relationship between suicidal thoughts, death anxiety and cultural capital in college students. The analysis method in this study was descriptive and correlational. The statistical population of this study included all university students in Tehran in the academic year of 1403-1404, of whom 360 people were included in the study through convenience sampling. To collect data, Beck's suicidal ideation questionnaire (1988), Kent, Wiener, and Placzyk's death anxiety questionnaire (1982), and Balboni, Menardo, and Kobley's cultural capital questionnaire (2019) were used. Pearson correlation coefficient and stepwise multiple regression were used to analyze the data, and data analysis was performed using SPSS 26 software. There is a negative and significant relationship between cultural capital and death anxiety ($r=-0.680$, $p<0.001$) and also a negative and significant relationship between cultural capital and suicidal ideation ($r=-0.598$, $p<0.001$). The results of multivariate regression with the stepwise method showed that among the dimensions of cultural capital, participatory cultural capital is the strongest predictor of death anxiety ($\beta=-0.384$, $p<0.001$, $R2=0.511$) and suicidal ideation ($\beta=-0.433$, $p<0.001$, $R2=0.521$). The findings show that participatory cultural capital, can play an important protective role in reducing death anxiety and suicidal ideation.

Citation: Atefemand, Sh., Allahyari, A., & Farahani, H. (2026). The Role of Cultural Capital in Reducing Death Anxiety and Suicidal Ideation in Students. *Cultural Psychology*, *9*(2), 63-76.
https://doi.org/10.30487/jcp.2026.508602.1782

2026 The Author(s). This is an Open Access article distributed under CC BY 4.0**.** Reuse and distribution are permitted with proper citation. Published by Cultural Psychology (Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT)).

مقدمه

افکار خودکشی به طیف وسیعی از افکار، امیال و مشغله‌های فکری در مورد پایان دادن به زندگی، از ملاحظات زودگذر تا برنامه ریزی دقیق، اشاره دارد. این افکار ممکن است با قصد عمل به خودکشی یا بدون قصد عمل، همراه باشند (بک، کواکس و وایسمن، ۱۹۷۹). گاهی یک فرد، افکار خودکشی شدید و مداوم دارد، اما درجات اقدام به خودکشی در او متفاوت است در مقابل، فرد دیگری، ممکن است انفجارهای کوتاه از تفکر خودکشی داشته‌باشد که در آن تصمیم به اقدام به خودکشی افزایش یافته و با لحظات بدون قصد برای اقدام به خودکشی جبران شود(ریوز، واسکونز و وایس، ۲۰۲۲). افکار خودکشی شامل دو نوع فعال و غیرفعال است؛ افکار فعال زمانی است که خواست هوشیارانه و آگاهانه‌ای برای رفتارهای خودآزارانهٔ کشنده وجود داشته‌باشد و فرد می‌خواهد که به مرگ منجر شود. افکار غیرفعال به یک میل کلی برای مردن اشاره دارد، اما هیچ برنامه‌ای برای اعمال خودآزارانهٔ کشنده وجود ندارد. این افکار شامل بی‌تفاوتی به مرگی است که به طور تصادفی اگر اقدامی برای حفظ زندگی خود انجام نشود، رخ می‌دهد (هارمر، لی، دونگ و سعدآبادی، ۲۰۲۳).

ناامیدی و یأس مزمن بر زندگی عاطفی افرادی که به افکار خودکشی دچارند، حاکم است (هارول-بومن، کریچفیلد، ۲۰۲۴). این افکار ممکن است پاسخی به بحران‌های وجودی باشد، وقتی که افراد با بی‌معنایی زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند (اشنایدمن، ۱۹۹۶). خودکشی یک عمل اجتماعی معنادار است که با روایت های فرهنگی در مورد آنچه که نماد آن است، شکل می‌گیرد (داگلاس، ۱۹۶۷). از این رو هنجارهای فرهنگی و سناریوهای اجتماعی بر نحوهٔ درک و اجرای خودکشی تأثیر می‌گذارد. جوامع و فرهنگ‌های مختلف معانی متفاوتی به خودکشی می‌دهند که نحوه نگرش افراد به خودکشی را شکل می‌دهد. واکنش‌های اجتماعی به رفتار خودکشی، بر رفتار افراد تأثیر می گذارد. ننگ یا شرم مرتبط با خودکشی در فرهنگ‌ها متفاوت است و می‌تواند تعیین کند که آیا مردم خودکشی را گزینه مناسبی می‌دانند یا خیر. نقش خانواده، مذهب و اجتماع در تقویت یا کاهش این معانی فرهنگی نقش اساسی دارند.

اضطراب مرگ، به ترس، نگرانی یا دلهره مرتبط با آگاهی و فرآیند مرگ، چه برای خود یا برای دیگران اشاره دارد (کاستنبام ، ۲۰۰۰). افراد با سطوح بالای اضطراب مرگ اغلب پریشانی وجودی شدید، مکانیسم‌های مقابله‌ای مختل و کیفیت زندگی کاهش یافته را تجربه می‌کنند. اضطراب مرگ می‌تواند بدتنظیمی هیجانی و افکار مزاحم را تشدید کند (ایورچ ،منزیس و منزیس ، ۲۰۱۴). عموماً اضطراب مرگ در میان کسانی که عزت نفس بالا و درجه بالایی از معنا و هدف در زندگی خود دارند،کمتر است (پولاک ، ۱۹۸۰).

نظریه مدیریت وحشت[1] فرض می‌کند که انسان‌ها آگاهی منحصر به فردی از مرگ و میر خود دارند که ترس اساسی از مرگ را ایجاد می‌کند. برای مقابله با این ترس، افراد به دو حائل جهان بینی فرهنگی و عزت نفس متکی هستند. اتخاذ باورها و ارزش های فرهنگی، حس معنی، نظم و هدف را برای انسان فراهم می‌کند و به افراد کمک می‌کند تا خود را بخشی از چیزی بزرگتر و پایدارتر از خود احساس کنند. فرهنگ چارچوبی از معنا، نظم و جاودانگی نمادین را فراهم می‌کند و افراد را قادر می‌سازد تا از فناپذیری جسمانی خود فراتر رفته و ثبات روانی را حفظ کنند. روایات فرهنگی آنچه را که در زندگی ارزشمند و معنادار است، تعریف می‌کنند و به افراد احساس هدفمندی می‌دهند (گرینبرگ، سلومون و پژینسکی، ۱۹۹۷). در یک پژوهش شرکت‌کنندگانی که به یاد فانی‌بودن خود افتاده‌بودند، پابندی قوی‌تری به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی خود نشان دادند این امر نشان داد که چگونه ترس از مرگ می‌تواند پایبندی فرهنگی را به عنوان یک مکانیسم دفاعی تقویت کند (گرینبرگ، سلومون و پژینسکی، ۱۹۹۷).

1. Terror management theory

سرمایه فرهنگی نوعی سرمایه نمادین[1] است که افراد جامعه تمایل دارند آن را به عنوان یک ارزش جست‌وجو کرده و مالک آن شوند (مور، ۲۰۱۰). سرمایه فرهنگی در اشکال مختلف مادی، تجسم یافته و نهادینه شده نمایان می‌شود. در شکل مادی، سرمایه فرهنگی به عنوان یک شیء و در آفرینش‌های هنری نمود می‌یابد و به آن سرمایه فرهنگی عینیت یافته[2] نیز گفته می‌شود. شکل دیگری آن، سرمایه فرهنگی تجسم یافته[3] است. این نوع از سرمایه، درون فرد به عنوان اصول آگاهی در استعداد و تمایلات و در ویژگی‌های فیزیکی مانند مهارت‌های زبانی، زبان بدن، طرز ایستادن، میمیک چهره، تکیه کلام ها، انتخاب سبک زندگی، سلیقه‌های فرهنگی و عادت‌واره اشخاص همچنین گرایشات و ویژگی‌های ذاتی و خصوصیات ذهنی آنها گنجانده شده‌است. در نهایت سرمایه فرهنگی نهادینه شده[4]، در قالب تحصیلات رسمی نمایان می‌شود (بوردیو، ۱۹۸۴). سرمایه فرهنگی قدرت نمادین می‌بخشد، هویت اجتماعی را شکل می‌دهد و بر ادراکات اجتماعی از اقتدار فرد تأثیر می‌گذارد. سرمایه فرهنگی بالا با پیامدهای سلامت روان بهتر به دلیل افزایش دسترسی به شبکه‌ها و منابع اجتماعی حمایتی مرتبط است (سیل، ۱۹۹۸). سرمایه فرهنگی با ارائه چارچوب‌هایی برای معناسازی، تاب‌آوری وجودی را تقویت می‌کند (بونسو و بلک، ۲۰۰۳).

مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی حس تعلق و حمایت اجتماعی را تقویت می‌کند که عواملی حیاتی در کاهش افسردگی و اضطراب هستند (وینزر، لیندبرگ و سیدورشوک، ۲۰۱۸). مشارکت در فعالیت‌های هنری، مانند موسیقی و هنرهای تجسمی، امکان ابراز هیجانات و کاهش استرس را فراهم می‌کند و به طور قابل توجهی به سلامت روان کمک می‌کند (پاسکو، هتریک و پارکر، ۲۰۲۰). تن کیت، دوکستر و ون دروال (۲۰۱۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که مشارکت فرهنگی با علائم افسردگی رابطه معکوس دارد. پژوهش حسن زاده یامچی و علیزاده اقدم(۱۳۹۳) حاکی از همبستگی مثبت و معنادار بین سرمایه‌فرهنگی و سبک زندگی سلامت محور است. نتایج پژوهش سعادتی(۱۴۰۱) همبستگی بین سرمایه فرهنگی و اقتصادی با تمامی متغیرهای سلامت روان (علائم جسمانی، اضطراب و بی خوابی، اختلال در عملکرد اجتماعی و افسردگی) را تایید کرد. لیو، وانگ، چن و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهش خود نشان دادند که اضطراب مرگ با ایجاد تغییر در دیدگاه فرد به آینده و تضعیف خودکارآمدی در تنظیم هیجانات (باور فرد به توانایی مدیریت حالات هیجانی خود)، خطر خودکشی را افزایش می‌دهد. مطالعه آننسن،کروگر، هیزل و همکاران (۲۰۲۵) نشان داد که شرکت در فعالیت‌های فرهنگی مخاطب محور با کاهش پریشانی روانشناختی مرتبط است. نویسندگان این پدیده را ناشی از آن می‌دانند که زمانی که افراد در یک تجربه فرهنگی مشترک، شرکت می‌کنند، مرزهای فردی محو شده و انسجام اجتماعی از طریق فرهنگ تقویت می‌شود.

با وجود پژوهش های متعدد درباره افکار خودکشی و اضطراب مرگ، نقش عوامل فرهنگی به‌ویژه سرمایه فرهنگی در تبیین این متغیرها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. در طی بررسی‌های صورت گرفته و مطالعه پیشینه پژوهش، محقق به تحقیقی که رابطه افکار خودکشی، اضطراب مرگ با سرمایه فرهنگی را در دانشجویان بررسی کرده باشد، دست نیافت به همین دلیل بررسی ارتباط این سه عامل ضرورت دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه افکار خودکشی، اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی در دانشجویان انجام شده‌است و به دنبال پاسخ به این سوال است که سهم نسبی ابعاد سرمایه فرهنگی در پیش بینی خودکشی و اضطراب مرگ چقدر است؟

1. Symbolic capital
2. Objectified cultural capital
3. Embodied cultural capital
4. Institutionalized cultural capital

روش

روش پژوهش حاضر با توجه به موضوع و هدف آن یعنی رابطه افکار خودکشی، اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران (آزاد، دولتی، پیام نور) در همهٔ مقاطع تحصیلی ۱۴۰۳- ۱۴۰۴ است و هر دو جنسیت و همه رشته‌های تحصیلی در نظر گرفته‌شد. نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها به‌صورت آنلاین در وبسایت پرسلاین قرار داده‌شد و از طریق شبکه‌های اجتماعی (تلگرام و واتساپ) در اختیار دانشجویان قرار گرفت. معیارهای ورود به پژوهش شامل اشتغال به تحصیل در یکی از دانشگاه های شهر تهران، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و تکمیل کامل پرسشنامه‌ها و معیار خروج شامل ناقص بودن پاسخ‌ها یا عدم تمایل به ادامه همکاری بود. برای برآورد حجم نمونه مورد به ازای هر متغیر پیش بین حداقل ۴۰ نفر در نظر گرفته شد (هیر، ۲۰۱۴) و در نهایت ۳۶۰ نمونه جمع آوری شد.

پیش از اجرای پژوهش، هدف مطالعه برای شرکت‌کنندگان توضیح داده‌شد و مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بود. رضایت آگاهانه به‌صورت الکترونیکی از شرکت‌کنندگان گرفته شد و به آنها اطمینان داده‌شدکه اطلاعات آنان محرمانه باقی خواهد ماند و نتایج صرفاً در قالب داده‌های گروهی گزارش می‌شود. همچنین شرکت‌کنندگان در هر مرحله از پژوهش امکان انصراف از همکاری را داشتند.کد اخلاق نیز از قسمت پژوهش دانشگاه تربیت مدرس گرفته شد.

ابزارها

پرسشنامه سرمایه فرهنگی[1]**:** پرسشنامه سرمایه فرهنگی بالبونی، منارد و کوبلی (۲۰۱۹) دارای سه عامل و متشکل از ۱۴ گویه است. هدف این پرسشنامه به تصویرکشیدن ماهیت چند وجهی سرمایه فرهنگی است. گویه‌های پرسشنامه در عامل فعالیت‌های فرهنگی شامل، فراوانی مطالعه مجلات و کتاب‌ها، تعداد کتاب‌های در اختیار؛ فناوری مورد استفاده برای دسترسی به اطلاعاتی مانند اینترنت؛ فراوانی حضور در تئاتر یا رویدادهای موسیقی، بازدید از نمایشگاه، موزه و گالری است. گویه‌های مربوط به عامل دانش و مهارت‌های فرهنگی شامل تسلط به زبان‌های خارجی، استفاده از اینترنت؛ شرکت در کلاس‌ها و دوره‌های هنری، خلاقیت و اجرای هنری بود. گویه‌های عامل فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی نیز شامل مشارکت یا عضویت در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و گروه‌ها و انجمن‌های مذهبی بود. پرسشنامه شامل ۱۴ گویه است و امتیاز هر گویه از ۰ تا ۴ متغیر است. عامل فعالیت فرهنگی دارای گویه ۷ گویه، عامل دانش و مهارت‌های فرهنگی دارای ۳ گویه و عامل فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی دارای ۴ گویه است. آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۴ گزارش شده‌است (۹۵ درصد فاصله اطمینان : ۰/۸۱ – ۰/۸۷). سرمایه فرهنگی مشارکتی: ۰/۷۶ (۹۵ درصد فاصله اطمینان :۰/۷۰ – ۰/۸۰)، سرمایه فرهنگی کاربردی: ۰/۷۶ (۹۵ درصد فاصله اطمینان :۰/۷۱ – ۰/۸۱)، سرمایه فرهنگی مهارتی : ۰/۷۰ (۹۵ درصد فاصله اطمینان: ۰/۶۴ – ۰/۷۶). تجزیه و تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عامل تأییدی سه عامل مرتبط (سرمایه فرهنگی مشارکتی، سرمایه فرهنگی کاربردی و سرمایه فرهنگی مهارتی) را شناسایی کردند و هر عامل توانایی اشتراک و تمایز کافی را نشان داد. همبستگی مثبت بین خرده‌مقیاس‌های سرمایه فرهنگی و مقیاس سرمایه اجتماعی شخصی[2] نشانگر اعتبار همگرا است، به این معنا که سرمایه فرهنگی بالاتر با سرمایه اجتماعی بیشتر همراهی دارد و این دو مفهوم به هم نزدیک‌اند. علاوه بر این، این مقیاس اعتبار واگرا را با نشان دادن همبستگی کم با سازه‌های نامرتبط، مانند معیار سلامت فیزیکی، نشان داد که تأیید می‌کند که یک مفهوم متمایز را ارزیابی می‌کند.

1. Scale of Cultural Capital
2. Personal Social Capital Scale

پرسشنامه اضطراب مرگ[1]: پرسشنامه اضطراب مرگ کنت، وینر و پلاچیک (۱۹۸۲) دارای ۱۵ گویه است که در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری شده‌است. به پاسخ‌دهنده ۵ گزینه شامل گزینه‌های «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» ارائه می‌شود و برای ارزیابی سطح اضطراب مرتبط با مرگ طراحی شده‌است و پاسخ‌های شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی به افکار و تجربیات مربوط به مرگ را ارزیابی می‌کند. تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی چهار بعد مستقل از اضطراب مرگ را در این پرسشنامه مشخص کرده‌است. ترس از ناشناخته‌ها، ترس از رنج کشیدن، ترس از تنهایی و ترس از انقراض شخصی. در پرسشنامه اضطراب مرگ، مجموع نمرات به دست آمده از پاسخ‌ها می‌تواند از ۱۵ تا ۷۵ متغیر باشد. نمره ۱۵ تا ۳۵ بیانگر اضطراب مرگ پایین یا عدم نگرانی درباره مرگ، نمره ۳۶ تا ۵۵ بیانگر اضطراب مرگ متوسط، که ممکن است در برخی شرایط به‌صورت موقتی و قابل مدیریت ظاهر شود و نمره ۵۶ تا ۷۵ اضطراب مرگ شدید، که ممکن است به مشاوره یا مداخلات درمانی نیاز داشته باشد را نشان می‌دهد.

الفا کرونباخ ترس از ناشناخته‌ها ۰/۷۵۰، الفا کرونباخ ترس از رنج کشیدن، ۰/۶۶۱، الفای کرونباخ ترس از تنهایی ۰/۷۰۱ و الفای کرونباخ ترس از انقراض شخصی۰/۸۱۳ گزارش شده‌است. پایایی سازه در چهار عامل استخراج شده بیشتر از ۰/۷۰ برآورد شده‌است. مقدار آلفا کرونباخ ۰/۸۸ و همبستگی درونی ۰/۸۳ ، پایایی بازآزمایی ۰/۸۷ و همچنین پایایی این ابزار با ضریب آلفا کرونباخ ۰/۷۰ تایید گردید. متخصصان روانشناسی بالینی این مقیاس را بررسی کردند و تأیید کردند که طیف وسیعی از جنبه های شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی اضطراب مرگ را پوشش می دهد (کنت و همکاران، ۱۹۸۲) پرسشنامه اضطراب مرگ به طور مثبت با ناامیدی با ضریب همبستگی بین ۰/۶۰ و ۰/۷۵ ۰(مقیاس ناامیدی بک)، با افسردگی با ضریب همبستگی ۰/۵۵ تا ۰/۷۰ (مقیاس افسردگی بک) و با افکار خودکشی با ضریب ۰/۵۰ تا ۰/۶۵ (مقیاس بک برای افکار خودکشی)، همبستگی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که اضطراب مرگ بالا با پریشانی عاطفی، نگرانی‌های وجودی و خطر خودکشی مرتبط است. مقیاس اضطراب مرگ با معیارهای عزت نفس، خوش بینی و رضایت از زندگی، همبستگی پایینی (با ضریب همبستگی ۰/۲۰ تا ۰/۴۰) دارد (نیمیر، ۱۹۹۴).

پرسشنامه افکار خودکشی بک[2]: پرسشنامه افکار خودکشی بک (۱۹۸۸) دارای ۱۹ گویه می‌باشد. این پرسشنامه دارای سه عامل میل به مرگ، میل به خودکشی و آماده‌بودن برای خودکشی است. این پرسشنامه به شکل طیف‌های چندگزینه‌ای ارائه می‌شود. سؤالات به بررسی شدت و میزان افکار خودکشی، تمایل به اقدام به خودکشی و نگرش فرد نسبت به زندگی و مرگ می‌پردازند. هر سؤال چند گزینه دارد که از نمره ۰ (عدم وجود افکار خودکشی) تا نمره ۳ (شدیدترین حالت افکار خودکشی) نمره‌گذاری می‌شود. نمرات کلی می‌تواند از ۰ تا ۳۸ باشد، که نمره بالاتر نشان‌دهنده شدت بیشتر افکار خودکشی است. این پرسشنامه شامل سه بخش اصلی است که شامل افکار و تمایلات خودکشی، تلاش‌ها و سابقه اقدام به خودکشی، نگرش به آینده و امید به زندگی است. هر پاسخ با توجه به شدت تمایل و تکرار افکار نمره‌گذاری می‌شود. نمره ۰ تا ۵ نشان دهنده سطح افکار خودکشی کم یا عدم وجود خطر، نمره ۶ تا ۱۹ نشان دهنده، افکار خودکشی متوسط که نیاز به پیگیری و مشاوره دارد و نمره ۲۰ تا ۳۸ نشان دهنده، شدت بالای افکار خودکشی که معمولاً به مداخله فوری و درمان تخصصی نیاز دارد است. در تحقیق صورت گرفته توسط انیسی و همکاران (۱۳۸۳) آلفا کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شده‌است. این ازمون دارای اعتبار درونی، ازمون بازازمون و روایی همزمان است. در پژوهش صورت گرفته توسط اصفهانی،هاشمی و علوی (۱۳۹۴) آلفا کرونباخ این ابزار ۰/۸۳ گزارش شده‌است. این مقیاس با مقیاس افسردگی همبستگی بالایی داشت (r=۰/۵۷۲) این همبستگی با مقیاس‌های اضطراب (r=۰/۴۶۴)، روان‌پریشی (r= ۰/۴۴۰) و خصومت (r=۰/۴۰۸)

1. Death Anxiety Scale
2. Beck Scale for Suicidal Ideation

معنی‌دار بود. مطالعات ضرایب پایایی آزمون مجدد را از ۸۰/. تا ۹۰/. در فواصل زمانی کوتاه (یک هفته تا یک ماه) گزارش کرده‌اند که تأیید می‌کند که این پرسشنامه نتایج ثابتی را در طول زمان در افراد با افکار خودکشی پایدار ایجاد می‌کند (بک و همکاران، ۱۹۹۷؛ استیر و همکاران، ۱۹۹۱). متخصصان روانشناسی بالینی موارد را بررسی کرده و تأیید کرده‌اند که پرسشنامه افکار خودکشی بک به طور جامع به ابعاد کلیدی خطر خودکشی می‌پردازد (براون و همکاران، ۲۰۰۰). تحقیقات پیشین همبستگی قوی بین پرسشنامه افکار خودکشی و پرسشنامه افسردگی بک(۰/۷۵ — ۰/۶۰ =r) و مقیاس ناامیدی بک (۰/۸۰ — ۰/۶۰ =r) را گزارش می‌دهند (بک و همکاران ، ۱۹۹۳؛ استیر و همکاران، ۱۹۹۱). مطالعات نشان می‌دهد که نمرات بالاتر به طور قابل توجهی تلاش های خودکشی در آینده را پیش بینی می‌کند (براون و همکاران، ۲۰۰۰؛ جوینر و همکاران، ۲۰۰۳).

در این پژوهش برای بررسی فرضیات از روش همبستگی پیرسون و برای بررسی سهم نسبی متغیرها از رگرسیون چندگانه گام به گام در نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد.

یافته‌ها

ویژگی های جمعیت شناختی شرکت کنندگان

دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه ۳۶۰ نفر است که از این میان ۱۹۶ نفر (۵۳/۴ درصد) زن و ۱۷۱ نفر (۴۶/۶ درصد) مرد بودند. توزیع سنی شرکت‌کنندگان نشان داد ۷۷ نفر (۲۱/۴ درصد) در گروه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال، ۲۲۹ نفر (۶۳/۶ درصد) در گروه سنی ۲۳ تا ۲۷ سال و ۵۴ نفر (۱۵ درصد) در گروه سنی ۲۸ تا ۳۲ سال قرار داشتند. از نظر مقطع تحصیلی، ۱۰ نفر (۲/۸ درصد) در مقطع کاردانی، ۱۰۸ نفر (۳۰ درصد) در مقطع کارشناسی، ۲۲۸ نفر (۶۳/۳ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۴ نفر (۳/۹ درصد) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. همچنین ۲۸۰ نفر (۷۷/۸ درصد) مجرد و ۸۰ نفر (۲۲/۲ درصد) متأهل بودند. از نظر وضعیت اشتغال، ۱۹۵ نفر (۵۳/۱ درصد) فاقد شغل و ۱۷۲ نفر (۴۶/۹ درصد) شاغل بودند. در جدول های زیر توزیع فراوانی شرکت کنندگان در پژوهش براساس سن، جنسیت، تاهل و تحصیلات نشان داده شده‌است.

جدول ۱ توزیع فراوانی شرکت کنندگان از نظر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۷۱	۴۶/۶
زن	۱۹۶	۵۳/۴
کل	۳۶۰	۱۰۰

طبق جدول ۱، ۴۶/۶ درصد شرکت کنندگان مرد و ۵۳/۴ درصد زن بودند.

جدول ۲ توزیع فراوانی شرکت کنندگان از نظر سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی
۱۸-۲۲	۷۷	۲۱/۴
۲۳-۲۷	۲۲۹	۶۳/۶
۲۸-۳۲	۵۴	۱۵

طبق جدول ۲، ۲۱/۴درصد از شرکت کنندگان در بازه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال، ۶۳/۶ درصد از شرکت کنندگان در بازه سنی۲۳ تا ۲۷ سال و ۱۵ درصد از شرکت کنندگان در بازه سنی ۲۸ الی ۳۲ سال بودند.

جدول ۳ توزیع فراوانی شرکت کنندگان از نظر تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کاردانی	۱۰	۲/۸
کارشناسی	۱۰۸	۳۰
کارشناسی ارشد	۲۲۸	۶۳/۳
دکتری	۱۴	۳/۹
کل	۳۶۰	۱۰۰

طبق جدول ۳، ۲/۸ از شرکت کنندگان در حال تحصیل در دوره کاردانی، ۳۰ درصد از شرکت کنندگان در حال تحصیل در دوره کارشناسی، ۶۳/۳ درصد از شرکت کنندگان در حال تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، ۳/۹ درصد از شرکت کنندگان در حال تحصیل در دوره دکتری بودند.

جدول ۴ توزیع فراوانی شرکت کنندگان از نظر وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد فراوانی
مجرد	۲۸۰	۷۷/۸
متاهل	۸۰	۲۲/۲
کل	۳۶۰	۱۰۰

طبق جدول ۴، ۷۷/۸ درصد از شرکت کنندگان مجرد و ۲۲/۲ درصد از شرکت کنندگان متاهل بودند.

جدول ۵ توزیع فراوانی شرکت کنندگان از نظر وضعیت شغلی

وضعیت شغلی	فراوانی	درصد فراوانی
شاغل	۱۷۲	۴۶/۹
بدون شغل	۱۹۵	۵۳/۱
کل	۳۶۰	۱۰۰

طبق جدول ۵، ۴۶/۹ درصد از شرکت کنندگان شاغل و ۵۳/۱ درصد از شرکت کنندگان بدون شغل بودند.

جدول ۶ ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس های سرمایه فرهنگی و متغیرهای پژوهش

	افکار خودکشی	اضطراب مرگ
سرمایه فرهنگی مشارکتی	-۰/۴۴۶	-۰/۴۹۱
سرمایه فرهنگی مهارتی	-۰/۴۴۵	-۰/۴۸۷
سرمایه فرهنگی کاربردی	-۰/۲۸۹	-۰/۳۴۵
سرمایه فرهنگی کل	-۰/۵۹۸	-۰/۶۸۰
افکار خودکشی	۱	۰/۶۷۹

تمامی ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند - تعداد نمونه ۳۶۰

طبق جدول ۶، تمامی ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند. بین اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی مشارکتی همبستگی منفی و معنادار ۰/۴۹۱-، بین اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی کاربردی همبستگی منفی و معنادار ۰/۳۴۵-، بین اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی مهارتی همبستگی منفی و معنادار ۰/۴۸۷-، بین افکار خودکشی و سرمایه فرهنگی مشارکتی همبستگی منفی و معنادار ۰/۴۴۶-، بین افکار خودکشی و سرمایه فرهنگی مهارتی همبستگی منفی و

معنادار ۰/۴۴۵-، بین افکار خودکشی و سرمایه فرهنگی کاربردی همبستگی منفی و معنادار ۰/۲۸۹- است. در میان ابعاد سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی مشارکتی قوی‌ترین رابطه منفی را با اضطراب مرگ و افکار خودکشی نشان داد. همچنین بین اضطراب مرگ و افکار خودکشی رابطه مثبت و نسبتاً قوی مشاهده شد. افزون بر این، سرمایه فرهنگی کل با اضطراب مرگ و افکار خودکشی رابطه منفی و معنادار داشت.

جدول ۷ پیش بینی افکار خودکشی

	ضریب معیار نشده	خطا استاندارد	ضریب بتا	مقدار p	مقدار t	تورم واریانس	تولرانس
سرمایه فرهنگی مشارکتی	-۰/۷۷۳	۰/۰۸۲	-۰/۳۸۴	۰/۰۰۱	-۹/۴۵۸	۱/۲۱۷	۰/۸۲۲
سرمایه فرهنگی مهارتی	-۰/۳۱۲	۰/۰۴۱	-۰/۲۸۷	۰/۰۰۱	-۷/۵۴۸	۱/۰۶۷	۰/۹۳۷
سرمایه فرهنگی کاربردی	-۰/۴۳۶	۰/۰۹۲	-۰/۱۹۶	۰/۰۰۱	-۴/۷۶۰	۱/۲۵۲	۰/۷۹۹
شغل	-۰/۷۲۰	۰/۲۵۷	-۰/۱۱۴	۰/۰۰۵	-۲/۸۰۲	۱/۲۳۱	۰/۸۱۳
تاهل	-۲/۲۶۲	۰/۳۱۱	-۰/۳۰۰	۰/۰۰۱	-۷/۲۷۸	۱/۲۵۷	۰/۷۹۵

R2=۰/۵۲۱ , Adjusted R = ۰/۵۱۴, F=۷۶/۸۶۵

SS=۱۸۳۷/۵۵۲ , df=۵ , MSR=۳۶۷/۵۱۰ , F=۷۶/۸۶۵ , P=۰/۰۰۱

براساس نتایج بدست آمده در جدول ۷، ضریب بتا سرمایه فرهنگی مشارکتی ۰/۳۸۴- ، نشان می‌دهد که این بعد از سرمایه فرهنگی سهم نسبی بیشتری در بین همه متغیرهای مستقل دارد و نقش آن در تبیین تغییرات متغیرات وابسته بیشتر است.تغییر یک انحراف استاندارد در سرمایه فرهنگی کاربردی باعث تغییر۰/۱۹۶- انحراف استاندارد در افکار خودکشی می‌شود و سهم نسبی آن کمتر از سرمایه فرهنگی مشارکتی یا مهارتی است. مقادیر تولرانس نزدیک به ۱ و مقادیر تورم واریانس کمتر از ۵ هم خط نبودن متغیرها را تأیید می‌کنند. مدل رگرسیون توانسته است ۵۱ درصد از تغییرات افکار خودکشی را تبیین کند و طور کلی از نظر آماری معنی‌دار است. متغیرهای جنسیت و سن در پیش‌بینی متغیر وابسته سهم معناداری نداشت و از مدل نهایی حذف شدند.

جدول ۸ پیش بینی اضطراب مرگ

	ضریب معیار نشده	خطا استاندارد	ضریب بتا	مقدار p	مقدار t	تورم واریانس	تولرانس
سرمایه فرهنگی کاربردی	-۰/۵۸۰	۰/۰۸۲	-۰/۲۹۳	۰/۰۰۱	-۷/۰۷۵	۱/۲۴۲	۰/۸۰۵
سرمایه فرهنگی مهارتی	-۰/۳۸۱	۰/۰۳۷	-۰/۳۹۴	۰/۰۰۱	-۱۰/۳۰۸	۱/۰۵۹	۰/۹۴۵
سرمایه فرهنگی مشارکتی	-۰/۷۷۵	۰/۰۷۳	-۰/۴۳۳	۰/۰۰۱	-۱۰/۵۷۷	۱/۲۱۵	۰/۸۲۳
تاهل	-۰/۵۵۸	۰/۲۵۹	-۰/۰۸۳	۰/۰۳۲	-۲/۱۵۵	۱/۰۸۲	۰/۹۲۴

R2=۰/۵۱۱, Adjusted R2=۰/۵۰۵, F=۹۲/۵۸۱

SS=۱۴۲۶/۶۸۳ , df=۴ , MSR=۳۵۶/۶۷۱ , F=۹۲/۵۸۱ , P=۰/۰۰۱

براساس نتایج بدست آمده در جدول ۸، مدل رگرسیون از نظر آماری معنی‌دار است. متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۵۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. مقدار آماره F معنی‌دار است و این به معنای قدرت تبیین متغیر مستقل در توضیح میزان تغییرات متغیر وابسته است. مقادیر تورم واریانس و تولرانس عدم هم خطی متغیرهای مستقل را تایید می‌کنند. سرمایه فرهنگی مشارکتی نقش بیشتری در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته دارد چون ضریب بتای آن از دیگر متغیرهای مستقل بیشتر است. متغیر تاهل کمترین سهم را در پیش بینی تغییرات اضطراب مرگ دارد بطوریکه تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر تاهل منجر به ۰/۰۸۳ انحراف استاندارد تغییر در اضطراب مرگ می‌شود. متغیرهای جنسیت، سن و شغل در پیش‌بینی متغیر وابسته سهم معناداری نداشته و از مدل نهایی حذف شدند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از پژوهش، رابطه مثبت و معناداری بین اضطراب مرگ و افکار خودکشی را نشان می‌دهند. یعنی با افزایش اضطراب مرگ، افکار خودکشی نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های این مطالعه با تحقیقات منزیس، منزیس و ایورچ (۲۰۱۴)، (پژینسکی، ۲۰۰۴)، (هایسل و فلت، ۲۰۱۶)، (دوگاس و روبیشاد، ۲۰۰۷) و (کاکرویچ، جان،گراهام و ویلیامز، ۲۰۱۳) همسو است. در یک مطالعه انجام شده، افراد مبتلا به اختلالات اضطرابی و افسردگی بالاترین سطح اضطراب مرگ و خطر خودکشی را گزارش دادند. این مطالعه نقش اضطراب مرگ در تقویت پریشانی روانشناختی[1] را برجسته کرد که می‌تواند منجر به افزایش آسیب پذیری در برابر افکار خودکشی شود (منزیس،منزیس و ایورچ، ۲۰۱۴). اضطراب مرگ اغلب در افراد مبتلا به اضطراب فراگیر افزایش می‌یابد که می‌تواند نشخوار فکری[2] و افکار خودکشی را تشدید کند. اضطراب مرگ و افکار خودکشی، در عدم تحمل بلاتکلیفی[3] در مورد آینده مشترک هستند (دوگاس و روبیشاد، ۲۰۰۷). همچنین در تبیین این یافته می‌توان گفت اضطراب مرگ باعث تشدید احساس ناامیدی می‌شود (بک، ۱۹۶۷) که عامل مهمی در افکار خودکشی به شمار می‌آید. احساس ناامیدی به ویژه در افرادی که با بیماری مزمن، افسردگی یا عوامل استرس زای مهم در زندگی مواجه هستند چون اجتناب ناپذیر بودن مرگ به عنوان یک مشکل غیرقابل حل دیده می‌شود، برجسته است (کاکرویچ، جان، گراهام و ویلیامز، ۲۰۱۳). اضطراب مرگ ممکن است بر منابع مقابله‌ای فرد غلبه کند و منجر به اجتناب شناختی یا رفتارهای فرار شود. اضطراب مرگ اغلب منجر به احساس ناامیدی در مورد آینده می‌شود، زیرا افراد درگیر اجتناب‌ناپذیر بودن مرگ می‌شوند. برای برخی، افکار یا رفتارهای خودکشی به عنوان راهی برای فرار از ترس فلج کننده از مرگ تلقی می‌شود (پژینسکی، ۲۰۰۴).

نتایج بدست آمده همچنین نشان می‌دهد که رابطه منفی بین سرمایه فرهنگی و افکار خودکشی وجود دارد. این یافته با یافته‌های ایوازاکی (۲۰۰۶)، بیلینگز و یانگ (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت سطوح بالاتر سرمایه فرهنگی منابعی را برای ابراز هیجان فراهم کرده که فرد را در برابر افکار خودکشی محافظت می‌کند. بر اساس تحقیق بیلینگز و یانگ (۲۰۲۱) ، مشخص شد که دانشجویانی که سرمایه فرهنگی بالاتری دارند، نسبت به کسانی که سرمایه فرهنگی محدودی دارند، بیشتر به دنبال درمان مشکلات سلامت روان هستند. این امر حاکی از آن است که سرمایه فرهنگی ممکن است بر رفتارهای سلامت روان تأثیر بگذارد و به طور غیر مستقیم بر عوامل مرتبط با افکار

1. psychological distress
2. Rumination
3. Intolerance of uncertainty

خودکشی موثر است. مشارکت در فعالیت‌های خلاقانه فرهنگی می‌تواند به احساس هدفمندی کمک کند و احساس انزوا را کاهش دهد (کایپرز، کروکستاد، هولمن، نادسن، بیگرن و هولمن، ۲۰۱۱). همچنین سرمایه‌فرهنگی فرصت مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش انزوا ، یک عامل خطر برای افکار خودکشی، می‌شود. بر اساس نظریه بوردیو، سرمایه فرهنگی شامل دانش، آموزش، مهارت‌ها و شایستگی‌های فرهنگی است که افراد از طریق اجتماعی‌شدن به دست می‌آورند (بوردیو، ۱۹۸۶). فعالیت‌های فرهنگی راه‌هایی را برای افراد فراهم می‌کند تا معنا و هدف زندگی خود را کشف کنند. سرمایه فرهنگی ابراز هیجانات را از طریق ابزارهایی مانند هنر، موسیقی و ادبیات تقویت کرده و به افراد کمک می‌کند تا احساسات خود را تنظیم کنند و بار ناراحتی روانی را کاهش دهند. سرمایه فرهنگی، افراد را به تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله مجهز می‌کند، که برای مقابله با استرس‌های زندگی کاربردی است. افراد با سرمایه فرهنگی بالا همچنین احساس موفقیت یا شکوفایی بیشتری را بر اساس دستاوردهای اجتماعی خود احساس می‌کنند. قرار گرفتن در معرض روایت‌های فرهنگی و تاریخی می‌تواند حس تعلق به سنت‌های دیرینه یا جنبش‌های اجتماعی را القا کند که احساس انزوا یا بی هدفی را کاهش می‌دهد. محقق معتقد است سرمایه فرهنگی بالا ، امکان ادغام چارچوب‌های مختلف فلسفی و اخلاقی را تسهیل کرده و فرد را قادر می‌سازد تا جهان‌بینی انعطاف‌پذیرتر و فراگیرتری را که می‌تواند منجر به تاب‌آوری شود، اتخاذ کند.

نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که رابطه منفی و معناداری بین اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی وجود دارد. به این معنا که با افزایش سرمایه فرهنگی، اضطراب مرگ کاهش می‌یابد. این یافته با یافته‌های ایوازاکی (۲۰۰۶)، پراش و ویسمن (۲۰۱۶) و استجر (۲۰۰۶) همخوان است. یالوم (۱۹۸۰) استدلال می‌کند که ترس از مرگ، اغلب از فقدان معنای درک شده در زندگی ناشی می‌شود. ایجاد و پذیرش معنا در زندگی، تأمل در ارزش‌های شخصی، درگیر شدن در انجام فعالیت‌ها و داشتن روابط عمیق منجر به کاهش ترس از مرگ می‌شود. همچنین مشارکت فرهنگی احساس هدفمندی را فراهم می‌کند و افراد را به چارچوب اجتماعی گسترده‌تری متصل می‌کند. بنابراین می‌توان این یافته را اینگونه تبیین کردکه سرمایه فرهنگی بدلیل افزایش تعاملات، احساس انزوا را که اضطراب مرگ را تشدید می‌کند، کاهش می‌دهد. مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند منجر به کاهش نشخوار فکری در مورد مرگ شود. افراد با سرمایه فرهنگی بالا همچنین ممکن است به چارچوب‌های وجودی یا فلسفی پیچیده‌ای دسترسی داشته باشند که به آنها کمک می‌کند تا اضطراب مرگ را کنترل یا کاهش دهند. به عنوان مثال، از طریق هنر، ادبیات یا فلسفه، روش‌های تفکری را به دست آورند که به آنها کمک کند با مرگ کنار بیایند. این منابع فرهنگی می‌توانند معنا و ساختار زندگی را فراهم کرده و به افراد اجازه دهند با احساس پذیرش بیشتری با مرگ روبرو شوند. بدون توانایی تعامل با ابزارهای پیچیده فلسفی یا فرهنگی، ممکن است در مواجهه با مرگ و میر خود، اضطراب بیش‌تری را تجربه کنند. سرمایه فرهنگی بالا، به ویژه سرمایه فرهنگی نهادینه شده، افراد را به ابزارهای شناختی برای مقابله با مرگ و میر با منطق و پذیرش مجهز می‌کند. به گفته پژینسکی (۲۰۰۴) درگیری شناختی با تقویت حس کنترل، به کاهش وحشت مرتبط با مرگ کمک می‌کند.

ایوازاکی (۲۰۰۶) در تحقیق خود بیان کرد که اوقات فراغت سپری شده با تعامل فرهنگی منجر به تجربیات معنادار می‌شود و نگرانی وجودی را کاهش می دهد. سرمایه فرهنگی جهان‌بینی فرد از جمله باورهای مذهبی یا سکولار در مورد مرگ را شکل می‌دهد. افراد با سرمایه فرهنگی بالا ممکن است تمایل بیشتری برای اتخاذ دیدگاه‌های علمی یا منطقی داشته باشند. این ایده که مرگ، بخش طبیعی از زندگی است باعث تسلی شود. نوع نگاه فرهنگ‌ها به مرگ متفاوت است، برخی از سنت‌های فرهنگی مرگ را انتقالی به دیگر اشکال وجود می‌دانند اما برخی، الگوی دایره‌ای از مرگ و تولدهای متعدد را تصور می‌کنند، این برداشت‌های متفاوت تأثیر قابل‌توجهی بر سبک زندگی، میزان آمادگی و ترس از مرگ، ابراز غم و اندوه و سوگواری دارد (گایر، ۲۰۱۴). همچنین پذیرش مرگ به عنوان محافظی در برابر اضطراب مرگ عمل می‌کند (وانگ و تامر، ۲۰۱۱). هدف و معنا در زندگی به افراد کمک می‌کند تا اضطراب مرگ را

مدیریت کنند (استجر، ۲۰۰۶). این ایده که میراث فرهنگی شخص از طریق آفرینش‌های هنری، نوشته‌ها یا مشارکت در جامعه پس از آنها زنده خواهد ماند، می‌تواند موجب آرامش افراد شود زیرا از طریق آثار فرهنگی خود، حس جاودانگی را بدست آورند. بدون سرمایه فرهنگی قابل توجه، افراد ممکن است بیشتر نگران فراموش شدن پس از مرگ باشند. مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و خلاقانه به افراد کمک می‌کند تا با میراث و جاودانگی نمادین با اضطراب مرگ مقابله کنند (پراش و ویسمن، ۲۰۱۶). محقق معتقد است سرمایه فرهنگی بالاتر می‌تواند توانایی فرد را برای مدیریت تضادها و پذیرش پارادوکس‌های وجودی تقویت کند. هنر، ادبیات و فلسفه اغلب ایده‌هایی را ارائه می‌کنند که همزمان متضاد و مکمل هم هستند (مانند زندگی و مرگ، هرج و مرج و نظم). این انعطاف پذیری شناختی ممکن است منجر به پذیرش بیشتر عدم قطعیت های ذاتی وجود، از جمله اجتناب ناپذیر بودن مرگ شود.

سرمایه فرهنگی مشارکتی قوی‌ترین پیش‌بینی کننده افکار خودکشی در پژوهش حاضر بود. این نوع سرمایه فرهنگی به مشارکت در فعالیت های فرهنگی- هنری یا پیوستن به گروه های اجتماعی- فرهنگی اشاره دارد که فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌کند تا احساسات خود را ابراز و پردازش کنند و از ناراحتی روانی و افکار خودکشی بکاهند. به گفته ایوازاکی (۲۰۰۶)، شرکت در فعالیت‌های فرهنگی باعث تقویت حس تعلق، ارتباط با دیگران و کاهش احساس انزوا و تنهایی می‌شود و در برابر افکار خودکشی از افراد محافظت می‌کند. در تبیین این یافته میتوان گفت سطوح بالاتر سرمایه فرهنگی مشارکتی منابعی را برای همبستگی اجتماعی فراهم می‌کند که فرد را در برابر افکار خودکشی محافظت می‌کند. همبستگی اجتماعی به گفته دورکیم یک عامل مهم در پیشگیری از خودکشی است. او معتقد بود عاملی که به زندگی افراد معنا می بخشد ارتباط با دیگران است. محقق معتقد است از طریق مشارکت در فعالیت‌ها و جوامع فرهنگی، افراد ممکن است احساس و درک پایدارتر و چندوجهی‌تری از خود پیدا کنند. این هویت غنی شده می تواند به عنوان حائلی در برابر بحران های وجودی عمل کند. نه تنها یکپارچگی اجتماعی به معنای متعارف آن، بلکه درونی‌سازی هویت‌های فرهنگی نیز که احساس هدفمندی و معنا را ارائه می‌دهند می‌تواند در برابر افکار خودکشی از فرد محافظت کنند. در حالی که بعد کاربردی و مهارتی سرمایه فرهنگی نیز با افکار خودکشی رابطه منفی و معنادار داشتند، قدرت پیش بینی آنها ضعیف تر بود. سرمایه فرهنگی کاربردی شامل تعامل منفعلانه، مانند تماشای فیلم، خواندن کتاب، یا حضور در رویدادهای فرهنگی بدون مشارکت فعال است و فاقد مزایای تعاملی مشارکت فعال است.این پژوهش نشان داد که مشارکت فرهنگی فعال نسبت به مصرف فرهنگی غیرفعال تأثیر بیشتری بر کاهش افکار خودکشی دارد.

سرمایه فرهنگی مشارکتی، مهمترین عامل در کاهش اضطراب مرگ نسبت به ابعاد دیگر سرمایه فرهنگی، در نتایج پژوهش، گزارش شد. مشارکت فعال در امور فرهنگی، واسطه‌ای برای بیان و پردازش ترس‌های وجودی و کاهش اضطراب مرگ فراهم می‌کند. مشارکت اغلب شامل فعالیت‌هایی است که افراد را به روایت‌ها یا سنت‌های فرهنگی گسترده‌تر متصل می‌کند و حس هدف و معنا را تقویت می‌کند. فرانکل (۱۹۸۴) تأکید کرد که معناسازی در کاهش اضطراب مرگ بسیار مهم است، زیرا افرادی که زندگی خود را معنادار می‌دانند، برای مقابله با مرگ مجهزتر هستند. ارتباطات اجتماعی یک عامل محافظتی در برابر پریشانی وجودی است زیرا ارتباط با دیگران امنیت عاطفی را فراهم می‌کند. محقق معتقد است شرکت فعال در آیین‌ها، مناسک و مراسم فرهنگی برخلاف مشاهده غیرفعال، مرگ را به عنوان یک فرآیند طبیعی و جمعی و نه یک رویداد فردی جلوه می‌دهد. همچنین در فضاهای هنری و فرهنگی برای مثال در اجراهای تئاتر، مرگ را می‌توان دراماتیزه و نمادسازی کرد، یا حتی به صورت طنزآمیز در بستری خلاقانه دوباره تفسیر کرد. این بازنویسی تضادی با تصویر ایستا از مرگ ارائه می دهد که ممکن است اضطراب مرگ را کاهش دهد.

در این پژوهش به بررسی روابط بین سرمایه فرهنگی، اضطراب مرگ و افکار خودکشی در بین دانشجویان پرداخته شد. یافته‌های این پژوهش بینشی در مورد نقش محافظتی سرمایه فرهنگی در برابر پریشانی وجودی و روانی و

همچنین رابطه متقابل بین اضطراب مرگ و افکار خودکشی ارائه می‌دهد. این نتایج بر تعامل بین ابعاد سرمایه فرهنگی و سلامت روان تاکید می‌کنند. سرمایه فرهنگی، معناسازی، تنظیم هیجانی و یکپارچگی اجتماعی را تقویت می‌کند. این ویژگی‌ها پریشانی روانی را که اغلب زیربنای ترس‌های وجودی و افکار خودکشی است، کاهش می‌دهد. سرمایه فرهنگی نقش اساسی در کاهش انزوا و تقویت حس هدفمندی ایفا می‌کند. رابطه مثبت و معنادار بین اضطراب مرگ و افکار خودکشی بیان می‌کند که ترس‌های وجودی، آسیب پذیری‌های شناختی را به ویژه در افرادی که مکانیسم‌های مقابله‌ای قوی ندارند افزایش می‌دهد.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی بود که باید در تفسیر نتایج به آن توجه شود. نخست، نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد که می‌تواند تعمیم‌پذیری یافته‌ها را محدود کند. دوم، جامعه پژوهش تنها شامل دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران بود؛ بنابراین تعمیم نتایج به سایر گروه‌های سنی، شغلی و فرهنگی باید با احتیاط انجام شود. افکار خودکشی، اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی سازه‌های پیچیده و چندوجهی هستند. اندازه‌گیری آنها با پرسشنامه‌ها و ابزارهای خودگزارشی می‌تواند تحت تأثیر سوگیری مطلوبیت اجتماعی باشد، شرکت کنندگان در پژوهش ممکن است افکار خودکشی و اضطراب مرگ خود را کمتر گزارش کنند و در میزان سرمایه فرهنگی خود اغراق کنند. پیشنهاد می‌شود برای بررسی عمیق‌تر تجربیات زیسته افراد، پژوهش‌های کیفی در ارتباط با افکار خودکشی و اضطراب مرگ و سرمایه فرهنگی انجام شود.

منابع

اشنایدمن، ا. (۱۳۸۶). خودکشی: شناخت و پیشگیری. ترجمه: ح. ستوده. تهران: نشر آگه.

بوردیو، پ. (۱۳۹۵). اشکال سرمایه. ترجمه: ن. فکوهی. تهران: نشر نی.

حسن زاده یامچی، د.، علیزاده اقدم، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سبک زندگی (سلامت محور) و سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد هادی شهر در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، نشریه مطالعات جامعه شناسی، ۷(۳)، ۸۵-۹۸.

سعادتی، م. (۱۴۰۱). تحلیل بوردیویی نقش سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در تبیین سلامت روانی. پژوهش های جامعه شناسی معاصر (علمی - پژوهشی)، ۱۱(۲۱)، ۷۷-۱۰۶

American Psychiatric Association. (2013). Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (5th ed.). Washington, DC: APA.

Ånensen, R. D., Krüger, V., Hazell, W., Sandal, G.M., Fadnes, L. T. (2025). Recreational activities and psychological distress during the COVID-19 crisis: a cohort study from Norway. *BMC public health*, *25*.

Arria, A. M., Caldeira, K. M., Vincent, K. B., Winick, E. R., Baron, R. A., & O'Grady, K. E. (2019). Suicidal ideation among college students: A multivariate analysis. *Journal of Affective Disorders, 256*(1), 123-130.

Baumeister, R. F. (1990). Suicide as escape from self. *Psychological Review*, *97*(1), 90–113.

Bakhtiari-Dovvombaygi, H., Askari, M., Rahimkhani, M., Abdollahi, M., Baladastian, M., Alipour, A., & Namazinia, M. (2024). Prevalence of death anxiety and its related factors in the population of eastern Iran: a cross-sectional study in the era of COVID-19. *Frontiers in Public Health*, *12*, 1427995.

Beck A. T. (1986). Hopelessness as a predictor of eventual suicide. *Annals of the New York Academy of Sciences*, *487*, 90–96.

Billings, K. R., & Young, K. M. (2022). How Cultural Capital Shapes Mental Health Care Seeking in College. *Sociological Perspectives, 65*(4), 637-660.

Bongar, B., & Sullivan, G. (2013). *The suicidal patient: Clinical and legal standards of care* (3rd ed.). American Psychological Association.

Bonsu, S. K., & Belk, R. W. (2003). Do not go cheaply into that good night: Death-ritual consumption in Asante, Ghana. *Journal of Consumer Research*, *30*(1), 41–55.

Bourdieu, P. (1984*). Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Harvard University Press.

Chu, J., Chi, K., Chen, K., & Leino, A. (2014). Ethnic variations in suicidal ideation and behaviors: A prominent subtype marked by nonpsychiatric factors among Asian Americans. *Journal of Clinical Psychology*, *70*(12), 1211–1226.

Cukrowicz, K. C., Jahn, D. R., Graham, R. D., Poindexter, E. K., & Williams, R. B. (2013). Suicide risk in older adults: Evaluating models of risk and predicting excess zeros in a primary care sample. *Journal of Abnormal Psychology, 122*(4), 1021–1030.

Cuypers, K., Krokstad, S., Holmen, T. L., Skjei Knudtsen, M., Bygren, L. O., & Holmen, J. (2012). Patterns of receptive and creative cultural activities and their association with perceived health, anxiety, depression and satisfaction with life among adults: The HUNT study, Norway. *Journal of Epidemiology & Community Health*, *66*(8), 698–703.

Douglas, J. D. (1967). *The social meanings of suicide*. Princeton University Press.

Fortner, B. V., & Neimeyer, R. A. (1999). Death anxiety in older adults: a quantitative review. *Death studies*, *23*(5), 387–411.

Furer, P., & Walker, J. R. (2008). Death anxiety: A cognitive-behavioral approach. *Journal of Cognitive Psychotherapy*, *22*(2), 167–182.

Gire, J. (2014). How Death Imitates Life: Cultural Influences on Conceptions of Death and Dying. *Online Readings in Psychology and Culture*, 6(2), 1-22.

Greenberg, J., Pyszczynski, T., Solomon, S. (1986). *The Causes and Consequences of a Need for Self-Esteem: A Terror Management Theory*. In: Baumeister, R.F. (eds) Public Self and Private Self. Springer Series in Social Psychology. Springer, New York, NY.

Grimmond, J., Kornhaber, R., Visentin, D., & Cleary, M. (2019). A qualitative systematic review of experiences and perceptions of youth suicide. *PLoS ONE*, *14*(6), e0217568.

Halpern-Manners, A., Schnabel, L., & Hernandez, E. M. (2016). The relationship between education and mental health: New evidence from a discordant twin study. *Social Forces*, *95*(1), 107–136.

Rizvi, A., Harmer, B., & Saadabadi, A. (2024). *Suicidal Ideation*. In *StatPearls*. StatPearls Publishing.

Harvell-Bowman, L. A., Critchfield, K. L., Ndzana, F., Stucker, E., Yocca, C., Wilgus, K., Hurst, A., & Sullivan, K. (2024). Of Love and Death: Death Anxiety, Attachment, and Suicide as Experienced by College Students. *Omega*, *90*(1), 171–193.

Iverach, L., Menzies, R. G., & Menzies, R. E. (2014). Death anxiety and its role in psychopathology: Reviewing the status of a transdiagnostic construct. *Clinical Psychology Review*, *34*(7), 580–593.

Jenks, C. (2005). *Culture*. Routledge.

Joiner, T. (2005). *Why People Die by Suicide*. Harvard University Press.

Kastenbaum, R. (2000). *The psychology of death* (3rd ed.). Springer.

Kessler, R. C., Borges, G., & Walters, E. E. (1999). Prevalence of and risk factors for lifetime suicide attempts in the National Comorbidity Survey. *General Psychiatry*, *56*, 617–626.

Mueller, A. S., Abrutyn, S., Pescosolido, B., & Diefendorf, S. (2021). The social roots of suicide: Theorizing how the external social world matters to suicide and suicide prevention. *Frontiers in Psychology*, *12*, 763.

Murray, H. A. (1938). *Explorations in Personality*. Oxford University Press.

Neimeyer, R. A., & Dingemans, P. (1981). Death orientation in the suicide intervention worker. *Omega*, *11*, 15-23.

Liu, Y., Wang, X., Chen, M., Li, W., Li, W., Gao, L., & Lin, L. (2025). Countdown to death: death anxiety fuels suicide risk through future time perspective and regulatory emotional self-efficacy. *Psychology, Health & Medicine*, 1–16.

Pascoe, M. C., Hetrick, S. E., & Parker, A. G. (2020). The impact of stress on students in secondary school and higher education. *International Journal of Adolescence and Youth*, *25*, 104-112.

Pirkis, J., Spittal, M. J., Keogh, L., Mousaferiadis, T., & Currier, D. (2017). Masculinity and suicidal thinking. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, *52*(3), 319–327.

Seale, C. (1998). *Constructing death: The sociology of dying and bereavement*. Cambridge University Press.

Shneidman, E. S. (1993). Suicide as psychache: A clinical approach to self-destructive behavior. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, *23*(4), 350–364.

Stack, S. (1982). Suicide: A decade review of the sociological literature. *Deviant Behavior*, *4*(1), 41-46.

Ten Kate, J., de Koster, W., & van der Waal, J. (2017). Why are depressive symptoms more prevalent among the less educated? The relevance of low cultural capital and cultural entitlement. *Sociological Spectrum*, *37*(2), 63–76.

Wen, M., & Christakis, N. A. (2006). Prospective effect of community distress and subcultural orientation on mortality following life-threatening diseases in later life. *Sociology of health & illness*, *28*(5), 558–582.